

Research Paper

Investigating the Individual's Right to Personal Security in Islam in Accordance with Human Rights Principles

Hassan Heidary<sup>1</sup> , Mehdi Shayani Rad<sup>2</sup> 

1- Assistant Professor, Department of Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2- Master of Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Receive:

02 February 2025

Revise:

01 March 2025

Accept:

08 March 2025

Published online:

20 March 2025

Keywords:

Right to liberty,  
personal security,  
human rights.

Abstract

The right to personal liberty and security is one of the most important human rights principles that is emphasized in Article 9 of the International Covenant on Civil and Political Rights and Article 5 of the European Convention on Human Rights. The right to personal liberty and security means that every individual has the right to enjoy freedom and security under the protection of the law and human rights standards. Within this framework, any arbitrary threat to personal liberty and security is prohibited, and deprivation of liberty is an exception that is only possible by a legally competent authority and documented in legal proceedings and with due regard for the balance that arises from respect for the principle of individual freedom. Given the importance of the right to personal liberty and security, this research is an attempt to better and more comprehensively understand this right and is also an attempt to examine the degree of coordination of Islamic regulations with the universal standards of the aforementioned right. Therefore, an attempt has been made to conduct a comparative study between the regulations on the deprivation of physical liberty of individuals in Islamic law and international human rights standards. This study examines the foundations and evolution of the right to liberty and security of person, examining freedom and the presumption of innocence as the two main foundations of the right to liberty and security of person. It also addresses the prohibition of arbitrary deprivation of liberty of individuals other than in cases of temporary detention.

Please cite this article as (APA): Heidary.H, Shayani Rad.M. (2025). Investigating the Individual's Right to Personal Security in Islam in Accordance with Human Rights Principles. *Journal of Business law and economics*, (1) 2, 355-370.

Sponsored by: Institute of Somamos Publications

[10.22034/jble.2025.531526.1019](https://doi.org/10.22034/jble.2025.531526.1019)



Corresponding Author: Hassan Heidary

<https://orcid.org/0000-0003-1581-9863>



Email: [Hassan.Heidary@iau.ac.ir](mailto:Hassan.Heidary@iau.ac.ir)

This work is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).





مقاله پژوهشی

بررسی حق فرد نسبت به امنیت شخصی در اسلام با توجه به اصول حقوق بشری

حسن حیدری<sup>۱</sup> ID، مهدی شایانی راد<sup>۲</sup> ID

۱- استادیار گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲- کارشناسی ارشد حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

چکیده

حق آزادی و امنیت شخصی یکی از مهمترین اصول حقوق بشری است که در ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. حق آزادی و امنیت شخصی بدین معنا است که هر فردی در پناه قانون و موازین حقوق بشری حق دارد تا از آزادی و امنیت بهره مند گردد. در این چهارچوب هرگونه تهدید خودسرانه آزادی و امنیت شخصی ممنوع بوده و سلب آزادی نیز استثنایی است که تنها به وسیله مرجع صالح قانونی و مستند به آیین دادرسی قانونی و با رعایت موازینی که از احترام به اصل آزاد بودن افراد ناشی می شود، امکان پذیر می گردد. با توجه به اهمیت حق آزادی و امنیت شخصی این پژوهش تلاشی است در راستای شناختی بهتر و فراگیرتر از این حق و نیز کوششی است برای بررسی میزان هماهنگی مقررات اسلامی با موازین جهان شمول حق یاد شده، از این رو سعی شده تا بررسی تطبیقی بین مقررات در پیوند سلب آزادی جسمانی از افراد در حقوق اسلامی و موازین بین المللی حقوق بشری به عمل آید. پژوهش حاضر به مبانی و سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی پرداخته و آزادی و فرض برائت را به عنوان دو مبنای اصلی حق آزادی و امنیت شخصی مورد بررسی قرار داده است. همچنین به ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی از افراد در غیر موارد بازداشت موقت می پردازد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۳۰

کلید واژه‌ها:

حق آزادی،  
امنیت شخصی،  
حقوق بشر.

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): حیدری، حسن؛ شایانی راد، مهدی. (۱۴۰۳). بررسی حق فرد نسبت به امنیت شخصی در اسلام با توجه به اصول حقوق بشری، *دانشنامه حقوق کسب و کار و اقتصاد*، ۲(۱)، ۳۷۰-۳۵۵.

	<a href="https://doi.org/10.22034/jble.2025.531526.1019">10.22034/jble.2025.531526.1019</a>	تحت حمایت: موسسه انتشاراتی سما موس
	<a href="https://orcid.org/0000-0003-1581-9863">https://orcid.org/0000-0003-1581-9863</a>	نویسنده مسئول: حسن حیدری
	این مقاله تحت شرایط <a href="https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa">https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa</a> قابل بازنشر است.	ایمیل: <a href="mailto:Hassan.Heidary@iau.ac.ir">Hassan.Heidary@iau.ac.ir</a>



## مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در حوزه حقوق بشر بین الملل تعهداتی را پذیرفته است که این تعهدات باید در قانون و عمل تطبیق داشته باشد. یکی از موضوعات مهم حقوق بنیادین، حق آزادی و امنیت شخصی (منع بازداشت خودسرانه) است که بارها گروه کاری بازداشت های خودسرانه شورای حقوق بشر سازمان ملل و موضوع قطعنامه های حقوق بشری علیه ایران در مجامع بین المللی از آن انتقاد کرده اند. لذا ضرورت این موضوع می رساند که میزان مطابقت قوانین ایران با تعهدات بین المللی در حوزه حقوق بشر در مسئله حق آزادی و امنیت شخصی بررسی گردد.

استانداردهایی که در اسناد بین المللی حقوق بشر در خصوص حق آزادی و امنیت شخصی آمده، به صورت متمرکز و اصلی در میثاق حقوق مدنی سیاسی بیان شده است و ایران هم عضو این معاهده می باشد؛ بر همین اساس استانداردهای بین المللی در این خصوص را با قواعد و مقررات ناظر بر این حق در حقوق ایران بررسی تطبیقی خواهیم کرد.

در این پژوهش پس از بیان مواد مرتبط با رعایت حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین المللی حقوق بشر، به خصوص میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ که ایران نیز عضویت آن را پذیرفته و بر همین اساس رعایت مفاد آن جزء تکالیف بین المللی کشور محسوب می شود، به بررسی مطابقت قوانین کیفری ایران با میثاق یادشده در زمینه های به رسمیت شناختن حق آزادی و امنیت شخصی و ضرورت جواز قانونی از سوی مقام قضایی، موارد سلب آزادی افراد و نیز حق اعتراض متهم به دستگیری و بازداشت خود، می پردازیم و پس از بیان موارد مبهم و مسکوت مرتبط با آن، به نوآوری های قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ش خواهیم پرداخت تا روشن شود که قانون گذار ایران در راستای مطابقت با تعهدات بین المللی پذیرفته شده در کشور، در قانون یادشده گامی به جلو برداشته است یا خیر. به عنوان فرضیه، گفتنی است که در حقوق ایران حق آزادی و امنیت شخصی پذیرفته شده، ولی دارای ابهامات و نواقصی است که قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ش همه نواقص و ابهامات قانونی سابق را در این باره برطرف نموده است و هم اکنون با اسناد بین المللی حقوق بشر و به خصوص میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تطبیق کامل دارد.

اگر در مورد آئین دادرسی کیفری بیان شده است که چنانچه به کشوری ناشناخته گام نهد و مشتاق آگاهی از حقوق و آزادی های فردی و ارزش و اعتباری که جامعه برای آن قائل است باشید، کافی است به قانون آئین دادرسی کیفری آن مراجعه کنید. در باره حق آزادی و امنیت شخصی نیز بایستی گفت که برای ارزیابی دقیق از میزان احترام به حقوق بشر در آئین دادرسی کیفری یک کشور بررسی جایگاه حق یاد شده در مقررات دادرسی کیفری آن، بیشترین اهمیت را دارد. حق آزادی و امنیت شخصی بر دو مبنای «اصل احترام به آزادی فردی و فرض برائت» استوار بوده و بر این اساس هر فردی حق دارد تا در پناه قانون و موازین حقوق بشری از هر گونه تهدید خودسرانه نسبت به آزادی و امنیت فردی اش رهایی یابد. در راستای بهره مندی فرد از حق آزادی و امنیت شخصی رعایت موازینی ضرورت دارد، بر این مبنا لازم است تا هر کس حتی اگر از او سلب آزادی جسمانی نیز به عمل نیامده باشد از آرامش خاطر که به در امان بودن خود دارد محروم نگردد از این رو تهدیدهای امنیتی علیه هر فرد و یا احضارهای پیاپی بدون توجیه وی به مراکز انتظامی، مصداقی از نقض حق آزادی و امنیت شخصی است. افزون بر این در چهارچوب حق آزادی و امنیت شخصی لازم است تا سلب آزادی جسمانی افراد با رعایت ضرورت تناسب و به عنوان آخرین راهکار و هماهنگ با قانون و موازین حقوق بشری به عمل آمده و به بیانی



دیگر غیر خودسرانه باشد. هر فرد در هنگام دستگیری لازم است تا از دلیل دستگیری خود و نوع اتهام متوجه اش آگاه گردد. همچنین هر کس که دستگیر می گردد لازم است بدون درنگ در برابر مرجع قضایی صالح حاضر گردد تا در باره آزادی و یا بازداشت وی تصمیم گیری شود بازداشت افراد نیز باید به عنوان اقدامی استثنایی تلقی و برای مهلتی معقول و در محدوده زمانی مشخص باشد. همچنین مرجعی که قرار بازداشت را صادر می نماید بایستی مستقل بی طرف و دارای صلاحیت قانونی بوده و از این رو دادسرا به عنوان طرف دعوا باید در صدور و یا تأیید قرار بازداشت دخالت نکرده و مرجع رسیدگی کننده نیز مگر در مواردی استثنایی هم چون: دادرسی کودکان، نباید در چنین اموری که ناقض بی طرفی آن تلقی می گردد دخالت نماید افزون بر این لازم است تا قرار بازداشت صادر شده مستدل و مستند به مواد قانونی بوده و فرد بازداشت شده بتواند در مورد قانونی بودن بازداشتش اعتراض نماید در چهارچوب حق آزادی و امنیت شخصی همچنین ضرورت دارد تا با بازداشت شده با انسانیت و همراه با احترام به کرامت ذاتی شخص انسان رفتار کرد سرانجام اینکه در پرتو حق آزادی و امنیت شخصی، متهمی که بدون گناه بازداشت شده است حق دارد تا برای مدت بازداشتش از او جبران خسارت به عمل آید.

## ۲- حق آزادی و امنیت شخصی در حقوق ایران

بر اساس مواد و مفاد اسناد بین المللی حقوق بشر در راستای حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد، اصل بر منع دستگیری و بازداشت افراد است و از هیچ کس مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون نمی توان سلب آزادی کرد. اصل سی و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصل را بر منع دستگیری افراد قرار داده است؛ مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. حق آزادی هر فرد و بهره بردن از امکانات به موجب آزادی، حق طبیعی هر انسانی به شمار می آید؛ لذا نباید آن را بدون مجوز از هیچ کس سلب کرد. بازداشت بدون مجوز حتی از سوی مقام قضایی و ضابطان هم نمی تواند صورت گیرد. اگر چنین بازداشت هایی (خودسرانه و بدون مجوز) حتی در خصوص کسانی که در معرض اتهام هستند ممنوع نباشد، راه را برای انواع جرایم بازمی گذارد. افزون بر آن، فرض کنید عمل دستگیری، بازداشت و سلب حق آزادی و امنیت شخصی افراد مطابق قانون باشد و مقامات رسمی حق داشته باشند با مجوزی که صادر شده است شهروندی را دستگیر کنند. این دستگیری یا بازداشت می بایست از لحاظ شکلی مطابق با قانون باشد و وجود مجوز قانونی بازداشت و دستگیری افراد را نمی توان مجوزی برای رعایت نکردن دیگر حقوق متهمی که حق آزادی او سلب شده است، دانست. رعایت نکردن قوانین و قواعد شکلی سلب آزادی افراد، سبب غیرقانونی و خودسرانه تلقی شدن سلب آزادی آنها خواهد شد.

## ۳- حق آزادی و امنیت شخصی در اسلام

علامه جوادی آملی مزایای نظام حقوق بشر اسلام را در پنج محور ذیل می داند:

یکم- برتری زیرسازهای داخلی، فاعلی و غایی؛

دوم- برهان پذیری؛



سوم- برخورداری از ضمانت اجرایی ویژه؛

چهارم- سازکاری و هماهنگی با وضعیت های مختلف انسان؛

پنجم- دارای ابزار سنجش.

علامه محمد تقی جعفری نیز بر این باورند که حقوق بشری که در اسلام مطرح شده، مبنای دینی دارد و این مبنا موجب شده تا این نظام حقوقی از چند ویژگی برخوردار شود:  
اول. این نظام حقوقی متکی به اراده خداست. یعنی خداوند همه این حقوق و تکالیف را برای بندگانش مقرر فرموده است. با پذیرش این اصل، هر انسان آگاهی، نه تنها تکالیف خود را با اخلاص و صمیمیت و بدون سوداگری و لذت پرستی انجام خواهد داد، بلکه عمل به تکالیف را نیز وسیله ای جهت رشد و تکامل خود تلقی خواهد کرد.  
دوم. عامل اجرای نظام حقوق اسلامی، شخصیت کمال طلب خود انسان است.  
سوم. چون مبنای اسلام، دین فطری حضرت ابراهیم(ع) است و همه ادیان آسمانی، خود را وابسته به آن می دانند، جهانی بودن تکالیف و حقوق بشر را بهتر می توان اثبات کرد.

#### ۴- انگیزه های وضع حقوق بشر در اسلام

حقوق بشر در اسلام دارای یک سری انگیزه ها و مولفه های خاص خود است که ذیلا مورد توجه قرار می گیرد.

۱. اسلام حیات و مرگ یک انسان را مساوی با حیات و مرگ همه ی انسان ها می داند.
۲. ارزش نیکی به انسان ها در خود نیکی ها نهفته است.
۳. محبوب ترین انسان ها نزد خداوند کسی است که به انسان های دیگر سود برساند؛
۴. اسلام انسان ها را به عنوان عضو یک خانواده تلقی می کند.
۵. اسلام انسان ها را به چند دسته تقسیم می کند ولی در عین حال برای همه ی آن ها یک سلسله حقوق مشترک در نظر می گیرد که عبارتند از:

أ. حق حیات

ب. حق کرامت انسانی

ج. حق کار و فعالیت

د. حق تعلیم و تربیت

ه. حق آزادی

۶. برای رشد و تکامل انسان ها اعتقاد به عامل ماورای طبیعی الهی ضرورت دارد و این مسأله نیز در اسلام مورد توجه قرار گرفته است



از طرفی مبنای دینی داشتن نظام حقوق بشری اسلام موجب شده چند ویژگی اختصاصی داشته باشد:

الف) این نظام متکی به اراده خداست، یعنی اوست که این تکالیف را بر بندگانش مقرر فرموده است. با پذیرش این اصل هر انسان آگاهی و وظایف خود را با اخلاص و صمیمیت و بدون سوداگری انجام خواهد داد و عمل خود را وسیله ی تکامل و رشد خود قرار خواهد داد.

ب) ضمانت اجرایی اصلی حقوق بشر، درونی و همان شخصیت متقی، با اخلاص کمال طلب شهروندان است.

ج) چون مبنای اسلام دین فطری حضرت ابراهیم علیه السلام است و همه ادیان آسمانی خود را وابسته به آن میدانند جهانی بودن تکالیف و حقوق بشر را بهتر میتوان اثبات کرد.

### ۵- مشترکات حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب

میان حقوق بشری که اسلام مطرح کرده و اعلامیه ی حقوق بشر مشترکات زیر وجود دارد:

۱. هر دو نظام حق حیات را جدی تلقی کرده اند.
  ۲. حق کرامت و حیثیت انسانی را مورد توجه قرار داده اند.
  ۳. حق تعلیم و تربیت را از جمله اصولی دانسته اند که مسئولین جامعه مسئول تحقق آن هستند.
  ۴. حق آزادی را از حقوق اساسی تلقی کرده اند و دولت و اجتماع را مسئول برخورداری از این حق اساسی دانسته اند.
  ۵. حق مساوات در برابر حقوق و قوانین نیز مورد پذیرش هر دو نظام حقوقی است.
- علامه محمد تقی جعفری به بررسی این موارد پرداخته و تفاوت دیدگاه های دو طرف در این مسایل را نیز تشریح کرده است.
- به عنوان نمونه اسلام حق حیات را بخششی خداوندی می داند، ولی در حقوق بشر غربی چنین استنادی وجود ندارد. به علاوه در حقوق بشر اسلامی بیان شده که از هیچ وسیله ای نمی توان برای نابودی حیات بشر استفاده کرد در حالی که در حقوق بشر غربی به چنین چیزی اشاره نشده است.
- در تفکر اسلامی کرامت ذاتی ناشی از عنایت خداوندی به بندگان خویش است، در حالی که در تفکر غربی چون نظام انسان شناسی دقیقی وجود ندارد توجه منطقی برای این اصل نمی توان یافت.
- در زمینه ی تعلیم و تربیت نیز حقوق بشر غربی تعلیم در سطح تحصیلات ابتدایی را واجب دانسته، در حالی که در اسلام تعلیم و تربیت در طول عمر انسان ضروری دانسته شده است. همچنین از نظر اسلام تبلیغات و وسایل ارتباط جمعی باید در خدمت رشد و تعالی انسان هاباشند، ولی در نظام های غربی این امور در خدمت نفع پرستی و لذت گرایی هستند.



در مسئله ی آزادی نیز در اسلام، منع فقط متوجه مواردی نیست که به حقوق دیگران ضرر وارد می سازد بلکه انسان نباید به خود از نظر رشد و کمال آسیمی وارد کند. آزادی قلم و عقیده نیز نباید موجب اختلال در زندگی مطلوب مردم شود؛ آزادی فی نفسه هدف نیست بلکه وسیله ای برای نائل آمدن به حیات معقول است.

مساوات انسان ها با هم نیز به این معنا نیست که همه ی انسان ها با هم تشابه کامل دارند و همچنین مقصود آن نیست که همه انسان ها عین هم هستند، بلکه مراد تساوی در یک سلسله اصول و مختصات مانند تساوی در ارتباط با مبدأ و علت عالیه ی هستی، تساوی در ماهیت انسانی و تساوی در برابر حقوق طبیعی و وضعی لازم برای زندگی است.

#### ۶- مقایسه حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر بین المللی

چنین به نظر می رسد که بین این دو از جهاتی شباهت و سازگاری وجود دارد، مانند اصل حق حیات، اصل حق برخورداری از کار، ضرورت قانون گرایی افراد و جامعه، پرهیز از تجاوز به حقوق دیگران، حق برابری و مساوات، نفی استبداد و حق آزادی و... اما بنابر مبانی نظری در هر یک از این دو سیستم و نظام حقوقی تفاوت ها و گاه تضاد هائی نیز وجود دارد که موجب تمایز آنها از یکدیگر می شود.

#### نظریه سازگاری بین حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر بین المللی

عده ای از محققین و کارشناسان مسائل حقوق بشر و متخصصین مسائل اسلامی از مقایسه حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر بین المللی چنین استنباط می کنند که این دو سیستم حقوقی، در کلیات □ حدود بیست حق با یکدیگر مشترک هستند. حقوقی مانند حق حیات، آزادی، امنیت، حفظ حیثیت و آبروی افراد، حق کار، حق تعلیم و تربیت، مساوات و برابری، و... که هم حقوق بشر اسلامی بر آنها تأکید دارد و هم در اعلامیه بین المللی حقوق بشر مطرح شده است، بطوری که علامه محمد تقی جعفری طی گفتگوی کوتاهی تحت عنوان **موضوع حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب** که دکتر اروین پار در جریان دیداری که در تهران با ایشان داشته است در این باره می گوید: «تحقیقات بنده نشان می دهد که بیش از ۵۸ درصد نقاط اشتراک و توافق بین حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر غربی وجود دارد. همان طور که ملاحظه می فرمایید با وجود تنوع فرهنگ ها و تاریخ و سایر عوامل متنوع در دو اقلیم شرق و غرب، این رقم بسیار جالب است و می تواند تفاهم های بیشتری درباره حقوق بشر را مژده و بشارت دهد..»

نه تنها بسیاری از محققین بر این عقیده هستند که شباهت های زیادی بین حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر بین المللی وجود دارد بلکه عده زیادی معتقد هستند که ریشه اعلامیه حقوق بشر از اندیشه های دینی و مخصوصاً از مبانی اسلام گرفته شده است، از جمله تویجری مدیرکل سازمان تربیت، علوم و فرهنگ اسلامی (آیسیسکو) در بخشی از مقاله خود با عنوان "اصول اسلامی مبادی حقوق بشر" (المسلمون فی الاقطار غیر الاسلامیه: الجالیات و المؤسسات الاسلامیه و دورها فی ابراز صورہ الاسلام، مسلمو الغرب و العالم الاسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵ / ۲ / ۱۱). با رجوع به منشأ تفکر حقوق بشر و با در دست داشتن اسناد و مدارک و برخی از تعهد نامه ها اظهار کرده است که قوانین اصلی حقوق بشر براساس اصول اسلامی تدوین شده است. (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۸۶ / ۰۳ / ۰۱ صفحه اخبار) مصطفی رافعی محقق و



نویسنده عرب پایه ها و اصول حقوق بشر غربی را از خمیر مایه های اسلامی معرفی می کند و می نویسد: «محمد(ص)، حقوقی که رهبران انقلاب فرانسه آن را در سه کلمه یا سه شعار خلاصه کردند: آزادی، برابری و برادری. سپس آمریکا این شعارها را بر زبان راند و پنداشت که این افتخار از آن اوست و در اعلامیه استقلال در سال ۱۷۷۶ اعلام کرد که: همه انسان ها یکسان آفریده شده اند، خداوند به آنان حقوقی اعطاء فرموده که غیر قابل انکار است از جمله حق زندگی، حق آزادی و کار و کوشش و خوشبختی... در حالیکه محمد(ص) در چهارده قرن پیش بر این حقایق تأکید کرد و فرمود: مردم همچون دندانه های یک شانه مساویند، عرب را برعجم برتری نیست مگر به پرهیزکاری، همه از آدم و آدم از خاک است. درمقابل نظریه فوق، دیدگاه دیگری وجود دارد که براساس آن شباهت و همخوانی بین این دو سیستم را ظاهری و سوری می دانند.

## ۷- بررسی تطبیقی حق آزادی شخصی در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

حق آزادی شخصی در ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، به صورت ضمانت های شکلی در مقابل بازداشت خودسرانه و غیرقانونی نمود یافته است، به همین دلیل از آن با عنوان آزادی از بازداشت خودسرانه نیز یاد می شود. بند ۱ ماده ۹ با بیانی مثبت آغاز شده است. در این بند حق آزادی و امنیت شخصی به عنوان اصل آمده و سلب خودسرانه و غیرقانونی آن ممنوع اعلام شده است. البته سلب آزادی شخصی «طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون» مجاز شمرده شده است. میثاق در چهار بند بعدی ماده ۹ به تضمین و حمایت از آزادی شخصی پرداخته است. کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۸ در خصوص حوزه شمول ماده ۹ میثاق عنوان داشته است بند ۱ این ماده بر تمامی اشکال سلب آزادی قابل اعمال است. شمول این بند علاوه بر دعاوی کیفری، شامل بیماری های روانی، ولگردی، اعتیاد به مواد مخدر، اهداف بازپروری، کنترل های مهاجرتی و... می شود؛ هرچند قسمتی از بند ۲ و تمامی بند ۳ ماده ۹ در خصوص کسانی است که دارای مسئولیت کیفری هستند.

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق آزادی شخصی در ماده ۵ شناسایی شده است. بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی، بهره مندی هر کس از آزادی شخصی را فرض می داند. ماده ۵ با بیانی مثبت آغاز می شود (هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد) و با بیان این که «هیچ کس را نمی توان از آزادی محروم ساخت، مگر در موارد ذیل و طبق روش های قانونی» تحدید می شود. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر خلاف میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ذیل بند اول طی شش زیربند نسبت به احصاء استثنائات ممنوعیت سلب آزادی شخصی بر آمده است. بنابراین آزادی شخصی اصل و سلب آن استثنایی بر فرض مذکور است و از طرفی دیگر نمی توان از محدودیت های حاکم بر سلب آزادی شخصی تفسیری مضیق ارائه داد. به علاوه، آزادی شخصی نباید بیشتر از ضرورت واقعی سلب گردد و در صورت فقدان توجیه قانونی، فرد باید آزاد شود. در صورت سلب آزادی، بار اثبات بر عهده سلب کنندگان است و باید اثبات کنند که سلب آزادی بر اساس مقررات و شرایط مزبور قابل اعمال بوده است یا خیر؟ همچنین رعایت کامل محدودیت های حاکم بر سلب آزادی باید بررسی شود. در جایی که سلب آزادی مورد اعتراض قرار می گیرد، قاضی باید با در نظر گرفتن فرض آزادی موضوع را مورد بررسی قرار دهد. در



چنین مواردی علاوه بر این که قاضی باید نسبت به دلایل سلب آزادی توجیه گردد، باید به صورت دقیق اعمال حمایت‌های مندرج در ماده ۵ را نیز مورد بررسی قرار دهد. (Macovei, Monica<sup>2004</sup>: 8)

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اقدامات مؤثری را در راستای تضمین بیشتر حق آزادی شخصی و تحدید سلب آزادی شخصی به واسطه احصاء استثنائات ممنوعیت سلب آزادی شخصی به عمل آورده است. هر چند کنوانسیون اروپایی به لحاظ زمانی مقدم بر میثاق بین‌المللی است، اما مفهوم حق آزادی شخصی را دقیق‌تر تبیین کرده است. این در حالی است که میثاق تنها در بند نخست به شناسایی حق آزادی و امنیت شخصی و ممنوعیت سلب خودسرانه و غیرقانونی آزادی شخصی بسنده نموده و به شرایط قانونی بودن سلب آزادی توجه نکرده است. شمول موارد مجاز سلب آزادی شخصی در بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی علاوه بر بازداشت پس از محکومیت، شامل بازداشت به منظور ضمانت اجرای تعهدات قانونی و عدم اجرای دستور قانونی، بازداشت موقت به واسطه ظن معقول، بازداشت کودک به منظور نظارت بر امور آموزشی و اعزام نزد مقام قضایی صالح، بازداشت افراد با هدف پیشگیری از شیوع بیماری‌های عفونی، افراد الکلی، معتادان به مواد مخدر یا ولگردان و هم‌چنین بازداشت به منظور پیشگیری از ورود غیرقانونی به کشور، اخراج و استرداد می‌شود. در بندهای بعدی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز همانند میثاق بین‌المللی، به تضمینات حق آزادی شخصی هم‌چون حق بر اطلاع، حق بر دسترسی به دادگاه صالح و حضور فوری نزد قاضی، حق بر رسیدگی به قانونی بودن بازداشت و حق بر غرامت پرداخته است.

به طور کلی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ممنوعیت شکنجه، رفتار غیرانسانی و تحقیرکننده به عنوان مرز شرایط غیرانسانی زندان مقرر شده است. اما میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی گستره حمایت از آزادی شخصی را افزایش داده و برای کسی که آزادی شخصی اش سلب شده، حق بر رفتار انسانی و شرایط حداقلی بازداشت موقت و زندان را مقرر کرده است. نظام حقوق بشری موجود در میثاق بین‌المللی در توسعه حقوق و حمایت از افراد بازداشت شده گستره وسیع‌تری از حق آزادی شخصی را تبیین نموده و آن را توسعه داده است.

## ۸- حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

۱- بررسی تطبیقی حق آزادی شخصی در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

حق آزادی شخصی در ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به صورت ضمانت‌های شکلی در مقابل بازداشت خودسرانه و غیرقانونی نمود یافته است، به همین دلیل از آن با عنوان آزادی از بازداشت خودسرانه نیز یاد می‌شود. بند ۱ ماده ۹ با بیانی مثبت آغاز شده است. در این بند حق آزادی و امنیت شخصی به عنوان اصل آمده و سلب خودسرانه و غیرقانونی آن ممنوع اعلام شده است. البته سلب آزادی شخصی «طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون» مجاز شمرده شده است. میثاق در چهار بند بعدی ماده ۹ به تضمین و حمایت از آزادی شخصی پرداخته است. کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۸ در خصوص حوزه شمول ماده ۹ میثاق عنوان داشته است بند ۱ این ماده بر تمامی اشکال سلب آزادی قابل اعمال است. شمول این بند علاوه بر دعاوی کیفری، شامل بیماری‌های روانی، ولگردی، اعتیاد به مواد مخدر، اهداف بازپروری، کنترل‌های مهاجرتی و... می‌شود؛ هرچند قسمتی از بند ۲ و تمامی بند ۳ ماده ۹ در خصوص کسانی است که دارای مسئولیت کیفری هستند.



در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق آزادی شخصی در ماده ۵ شناسایی شده است. بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی، بهره مندی هر کس از آزادی شخصی را فرض می‌داند. ماده ۵ با بیانی مثبت آغاز می‌شود (هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد) و با بیان این که «هیچ کس را نمی‌توان از آزادی محروم ساخت، مگر در موارد ذیل و طبق روش‌های قانونی» تحدید می‌شود. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر خلاف میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ذیل بند اول طی شش زیربند نسبت به احصاء استثنائات ممنوعیت سلب آزادی شخصی بر آمده است. بنابراین آزادی شخصی اصل و سلب آن استثنایی بر فرض مذکور است و از طرفی دیگر نمی‌توان از محدودیت‌های حاکم بر سلب آزادی شخصی تفسیری مضیق ارائه داد. به علاوه، آزادی شخصی نباید بیشتر از ضرورت واقعی سلب گردد و در صورت فقدان توجیه قانونی، فرد باید آزاد شود. در صورت سلب آزادی، بار اثبات بر عهده سلب‌کنندگان است و باید اثبات کنند که سلب آزادی بر اساس مقررات و شرایط مزبور قابل اعمال بوده است یا خیر؟ همچنین رعایت کامل محدودیت‌های حاکم بر سلب آزادی باید بررسی شود. در جایی که سلب آزادی مورد اعتراض قرار می‌گیرد، قاضی باید با در نظر گرفتن فرض آزادی موضوع را مورد بررسی قرار دهد. در چنین مواردی علاوه بر این که قاضی باید نسبت به دلایل سلب آزادی توجیه گردد، باید به صورت دقیق اعمال حمایت‌های مندرج در ماده ۵ را نیز مورد بررسی قرار دهد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اقدامات مؤثری را در راستای تضمین بیشتر حق آزادی شخصی و تحدید سلب آزادی شخصی به واسطه احصاء استثنائات ممنوعیت سلب آزادی شخصی به عمل آورده است. هر چند کنوانسیون اروپایی به لحاظ زمانی مقدم بر میثاق بین‌المللی است، اما مفهوم حق آزادی شخصی را دقیق‌تر تبیین کرده است. این در حالی است که میثاق تنها در بند نخست به شناسایی حق آزادی و امنیت شخصی و ممنوعیت سلب خودسرانه و غیرقانونی آزادی شخصی بسنده نموده و به شرایط قانونی بودن سلب آزادی توجه نکرده است. شمول موارد مجاز سلب آزادی شخصی در بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی علاوه بر بازداشت پس از محکومیت، شامل بازداشت به منظور ضمانت اجرای تعهدات قانونی و عدم اجرای دستور قانونی، بازداشت موقت به واسطه ظن معقول، بازداشت کودک به منظور نظارت بر امور آموزشی و اعزام نزد مقام قضایی صالح، بازداشت افراد با هدف پیشگیری از شیوع بیماری‌های عفونی، افراد الکلی، معتادان به مواد مخدر یا ولگردان و همچنین بازداشت به منظور پیشگیری از ورود غیرقانونی به کشور، اخراج و استرداد می‌شود. در بندهای بعدی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز همانند میثاق بین‌المللی، به تضمینات حق آزادی شخصی هم‌چون حق بر اطلاع، حق بر دسترسی به دادگاه صالح و حضور فوری نزد قاضی، حق بر رسیدگی به قانونی بودن بازداشت و حق بر غرامت پرداخته است. به طور کلی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ممنوعیت شکنجه، رفتار غیرانسانی و تحقیرکننده به عنوان مرز شرایط غیرانسانی زندان مقرر شده است. اما میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی گستره حمایت از آزادی شخصی را افزایش داده و برای کسی که آزادی شخصی اش سلب شده، حق بر رفتار انسانی و شرایط حداقلی بازداشت موقت و زندان را مقرر کرده است. نظام حقوق بشری موجود در میثاق بین‌المللی در توسعه حقوق و حمایت از افراد بازداشت شده گستره وسیع‌تری از حق آزادی شخصی را تبیین نموده و آن را توسعه داده است.



## ۹- توسعه مفهوم حق امنیت شخصی در سازوکار اروپایی حقوق بشر

سازوکار حاکم بر نظام اروپایی حقوق بشر معتقد است که آزادی شخصی پایه و اساس است و عنصر امنیت برای تفسیر آزادی شخصی کاربرد می‌یابد؛ لذا امنیت شخصی باید در شرایط آزادی فیزیکی فهمیده شود و نمی‌توان آن را به گونه‌ای تفسیر نمود که به عنوان موضوعی مستقل مورد ارجاع قرار گیرد، به‌عنوان مثال امنیت شخصی را نمی‌توان به مثابه وظیفه دولت جهت ارائه حمایت‌های حفاظتی از افراد در مقابل تهدیدات دیگران یا امنیت اجتماعی تفسیر کرد. نهادهای اجرایی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر جهت تفسیر و تبیین حق آزادی شخصی در ماده ۵ کنوانسیون مزبور، از عنصر امنیت در حق آزادی و امنیت شخصی برای توسعه این حق استفاده کرده‌اند. (Macovei, Monica, Op.cit., p.6) دیوان اروپایی حقوق بشر در دعوی کُرت علیه ترکیه در مقام اهمیت حق آزادی و امنیت شخصی عنوان داشت: کنوانسیون به‌منظور تضمین عدم خودسرانگی در سلب آزادی شخصی، مجموعه‌ای از حق‌های ماهوی را ذیل حق آزادی و امنیت شخصی تدوین کرده است تا بدین ترتیب افراد در مقابل سلب خودسرانه آزادی حمایت شوند و سلب آزادی به شرط پاسخ‌گویی به دادگاه مستقل و حفظ مسئولیت‌پذیری مقامات دولتی مجاز شمرده شده است. (European Court of Human Rights, 1998)

سازوکار اروپایی حقوق بشر به عنوان مهم‌ترین سازوکار منطقه‌ای حقوق بشر نقش تأثیرگذاری در توسعه حقوق بشر در عرصه بین‌المللی دارد. بررسی روند توسعه مفهوم حق امنیت شخصی دربرگیرنده نکات جالبی است که پیچیدگی مفهوم امنیت شخصی را منعکس می‌سازد. روند مذکور با ذکر برخی آرای صادره در سازوکارهای اروپایی حقوق بشر در سه سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**سطح اول: حق امنیت شخصی بعد دیگر حق آزادی شخصی است**

**سطح دوم: حق امنیت شخصی در کنار حق آزادی شخصی است**

**سطح سوم: حق امنیت شخصی متمایز از حق آزادی شخصی است**

## ۱۰- حق امنیت شخصی در کمیته حقوق بشر سازمان ملل

پیش‌نویس اصلی ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مربوط به ممنوعیت دستگیری و بازداشت خودسرانه بود. انگلیس برای اولین بار در سال ۱۹۵۲ پیشنهاد کرد که ماده ۹ با عنوان کلی «حق آزادی و امنیت شخصی» آغاز گردد. جمله پیشنهادی انگلیس بدون هیچ‌گونه بحث و مناقشه‌ای مورد پذیرش قرار گرفت و مدل پیشنهادی لهستان برای ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به عنوان مدل تدوین بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به کار گرفته شد. البته در کمیته سوم مجمع عمومی علیه وسعت گستره مفهومی حق امنیت در ماده ۹ میثاق نظرانی بیان شد که ناظر بر شمول حق امنیت بر حقوق و آزادی‌های مندرج در مواد ۶ تا ۱۷ میثاق بود که امنیت و مصونیت شخصی را تضمین می‌نمایند.<sup>۱</sup>

<sup>1</sup> Nowak, Manfred, Op.cit., p. 214.



تفسیر عمومی کمیته حقوق بشر حق امنیت شخصی را بدین گونه تبیین کرد که امنیت شخصی مطالبات قانونی منحصر به فردی است و با آزادی شخصی متفاوت است. به عبارت دیگر، مطالبات مذکور مربوط به مقابله با مداخله اشخاص خصوصی نسبت به تمامیت افراد است. در دعوی دلگادو پز علیه کلمبیا، دلگادو معلم دین و اخلاق بود که تهدید به مرگ شده بود و متعاقب آن دلگادو علیه مقام پاپ و مقامات آموزشی کشورش شکایت کرد. پس از آن که همکاریش توسط فردی ناشناس به قتل رسید، دلگادو به دلیل احساس عدم امنیت کشورش را ترک کرد و توانست پناهندگی سیاسی فرانسه را کسب کند. نامبرده شکایت نمود که مجبور شد کشور را ترک کند، زیرا دولت کلمبیا به تعهد خود مبنی بر حمایت از حق مساوات، عدالت و حیات عمل ننموده است. کمیته حقوق بشر در رأی ۱۲ جولای ۱۹۹۰ به نقض بند ۱ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق بشر استناد نمود که دولت عضو اقدامات مقتضی جهت تضمین حق امنیت شخصی آقای دلگادو اتخاذ ننموده و یا نتوانسته انجام دهد. در قسمت ابتدایی رأی کمیته چنین آمده است:

« با این که میثاق تنها در ماده ۹ به حق امنیت شخصی اشاره نموده است، اما هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد کمیته قصد داشته مفهومی مضیق از حق امنیت را تنها در شرایط سلب رسمی آزادی ارائه دهد. در عین حال دولت های عضو متعهد شده اند تا حق های مندرج در میثاق را تضمین نمایند. این مسأله نمی تواند موضوعی حقوقی به حساب آید که دولت ها می توانند تهدیدات آشکار علیه حیات افراد تحت حوزه قضایی خود را نادیده بگیرند، تنها به این دلیل که آن فرد دستگیر و یا بازداشت نشده است. دولت ها نسبت به اتخاذ اقدامات مقتضی و مسئولانه جهت تضمین حقوق مندرج در میثاق تعهد دارند. تفسیری از ماده ۹ میثاق وجود دارد که به دولت های عضو اجازه می دهد تا تهدید نسبت به امنیت شخصی افراد بازداشت نشده را نادیده بگیرند و آن هم در صورتی است که بتوانند ناکارآمدی تضمین میثاق را اثبات نمایند.»<sup>۱</sup> کمیته حقوق بشر معنای مستقل حق امنیت شخصی را در این رأی توسعه داد. این رویکرد در بسیاری از دعاوی مربوط به تهدید مرگ، ترور، اذیت و آزار و ارباب مورد تأکید قرار گرفته است.

در رویکرد کمیته حقوق بشر در خصوص حق امنیت شخصی می توان نکات مختلفی را برشمرد. اول، حق امنیت شخصی متمایز از حق آزادی شخصی است. دوم، حق امنیت تنها در شرایط بازداشت و دستگیری کاربرد ندارد. کمیته مذکور تحدید گستره حق امنیت به شرایط سلب آزادی شخصی را به مثابه تفسیر مضیق ماده ۹ میثاق می داند و البته بر تفسیر موسع حق امنیت تأکید می کند. سوم، حق امنیت را با اتخاذ اقدامات مقتضی و مسئولانه جهت تضمین حقوق و آزادی ها مرتبط می داند که نظریه اخیر با نظریه تعهدات مثبت منطبق است. چهارم، کمیته حقوق بشر بر عدم اطلاق حق امنیت شخصی تأکید دارد.

در قیاس میان رویکرد های کمیته حقوق بشر و سازوکارهای اروپایی حقوق بشر در خصوص حق امنیت شخصی و هم چنین با نظر داشت زمان صدور آرای هر یک از نهادهای فوق الذکر که بیانگر دیدگاه های آن ها است، می توان نتیجه گرفت کمیته حقوق بشر در توسعه حق امنیت شخصی بر سازوکارهای اروپایی حقوق بشر تاثیرگذار بوده است و طی دوره های مختلف سازوکارهای اروپایی به نظرات کمیته حقوق بشر پیرامون حق امنیت شخصی نزدیک تر شده اند.

<sup>1</sup> Human Rights Committee, Delgado Paez v. Colombia, CCPR/39/D/195/1985, 1990.



## ۱۱- تعیین حقوق انسان در اعلامیه جهانی حقوق بشر و غفلت از تکالیف بشری

ادیان علاوه بر حقوق انسان ها، تکالیف را نیز تعیین نموده‌اند، یعنی حق و تکلیف را در کنار یکدیگر مشخص کرده اند، بنابراین انسان می‌داند که در مقابل هر حقی برای خود در مقابل دیگران تکلیفی برعهده دارد.

۱- تفاوت در نوع نگرش به انسان

۲- اختلاف و تفاوت در تعریف و تفسیر آزادی

۳- تفاوت در بعضی از حقوق زنان

## ۱۲- نتیجه گیری

این پایان نامه با بهره گرفتن از موازین حقوق بشری برخاسته از مفاد میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که مورد تأکید نظارتی این میثاق یعنی کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز قرار داشته است، مفهوم، قلمرو و مصادیق حق آزادی و امنیت شخصی را مورد مطالعه قرار داده است. هم چنین میزان انطباق مقررات حقوق اسلامی با موازین جهانی حقوق بشر را در زمینه حق آزادی و امنیت شخصی بررسی کرده است و به نتایج ذیل دست یافته است.

انسان حق دارد از آزادی به عنوان یکی از مهمترین ضرورت‌های یک زندگی با کرامت بهره مند گردد بر این مبنا هر فرد می‌تواند از طیف گسترده ای از آزادی ها و حقوق تمتع یابد یکی از مهمترین و پایه ای ترین آزادی ها و حقوق که بدون آن امکان استفاده از سایر آزادی ها وجود ندارد حق آزادی و امنیت شخصی است. در کنار احترام به اصل آزادی فردی پذیرش فرض بی گناهی (برائت) افراد در هنگامی که در مظان اتهام قرار می‌گیرند نیز یکی از مبانی حق آزادی و امنیت شخصی به شمار می‌آید.

حق آزادی و امنیت شخصی که در سده های پیش آرمانی غیر قابل وصول به نظر می‌رسید هم اکنون به عنوان یک حق اولیه بشر در بیشتر جهان مورد پذیرش قرار گرفته و از یک کلی گویی صرف خارج شده و حقی با تعریف مشخص و مرزهایی رو به گسترش است.

برخورداری از حق امنیت فردی یکی از مطالبات تاریخی خواهان ایران بوده و از این رو در قانون اساسی مشروطیت نیز بازتاب داشته است با این وجود، جایگاه حق آزادی و امنیت شخصی در ایران نیز مانند بیشتر کشورهای جهان دچار فراز و نشیب هایی شده و به وسیله قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ به شدت محدود گردیده است.

در این تحقیق از مفهوم فراشکلی حق آزادی و امنیت شخصی تعریفی ارائه شده و هر نوع تهدید امنیت فردی فارغ از اینکه همراه با سلب آزادی جسمانی بوده و یا در خارج از آن، به عنوان مصداقی از نقض حق آزادی و امنیت شخصی تلقی می‌گردد. سلب آزادی تنها بایستی مستند به قانون و در چهارچوب موازین حقوق بشر و با رعایت عدالت، تناسب و... ضرورت صورت بگیرد.



موارد سلب آزادی بایستی در قانون مشخص شده باشند. سلب آزادی می تواند با دو هدف تأمینی و یا حمایتی و در چهارچوب سلب آزادی کیفری و یا غیر کیفری صورت بپذیرد هم چنین در هر نوعی سلب آزادی بایستی موازین مندرج در ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی از جمله حق آگاهی از دلایل دستگیری و نوع اتهام مورد توجه قرار گیرد. مرجعی صلاحیت سلب آزادی از افراد را دارد که از استقلال و بی طرفی لازم برخوردار بوده و به وسیله موازین قانونی سازماندهی شده و صلاحیت های آن به طور دقیق و بر اساس قانون مشخص شده باشد.

دستگیری در جرایم مشهود بایستی به وسیله ضابطانی آشنا با موازین قضایی به عمل آید دستگیری در جرایم غیر مشهود از طریق احضار یا جلب صورت می گیرد احضار یا جلب باید بر اساس دلایل قانع کننده ای به عمل آمده و شخص احضار یا جلب شده باید از علت حاضر شدنش در برابر مرجع قضایی آگاه گردد. حق آگاهی از دلیل دستگیری و نوع اتهام یکی از موارد بررسی شده در است این حق که بر مبانی محکمی استوار است بایستی به سرعت به متهم تفهیم گردد. همچنین آگاهی رسانی از دلایل دستگیری باید کامل و به زبانی قابل فهم برای متهم باشد.

همچنین در این تحقیق موضوع تحت نظر گرفتن متهمان نیز بررسی گردیده و بر این نکته که تحت نظر گرفتن باید استثناء بوده و بر اساس دلایل کافی و موازین قانونی انجام گرفته و برای مدت زمانی هر چه کوتاهتر باشد تأکید شده است. و نیز به تأثیر مبارزه با تروریسم در قواعد ناظر بر دستگیری و تحت نظر گرفتن اختصاص دارد در این بخش هم بر اینکه مبارزه با تروریسم بایستی در چهارچوب موازین حقوق بشری باشد اشاره شده است.

بازداشت موقت اقدامی استثنایی است که با فرض براءت و اصل احترام به آزادیهای فردی ناسازگار بوده و منجر به آزار جسمی و روحی متهم شده و به حق دفاع وی نیز لطمه زده و در سرنوشت دعوا نیز به ضرر متهم تأثیر گذار است. از سویی دیگر بازداشت موقت با سیاست نوین کیفری در راستای زندان زدایی نیز مغایرت دارد از این رو بازداشت موقت تنها در صورت توجه اتهام به متهم و در چارچوب ضرورتهای ناشی از برگزاری یک دادرسی عادلانه امکان پذیر می گردد. هم چنین پیش از صدور قرار بازداشت موقت لازم است تا موضوع توسل به قرارهای جایگزینی بازداشت بررسی گردیده و تنها در صورت عدم امکان استفاده از قرارهای جایگزین بازداشت است که مرجع قضایی می تواند به قرار بازداشت متوسل گردد. بر اساس آراء صادر شده از طرف کمیته حقوق بشر، دادسرا فاقد استقلال و بی طرفی لازم برای صدور قرار بازداشت بوده و از همین رو این مراجع قضایی مستقل مخصوص دوره تحقیقات مقدماتی هستند که می توانند به صدور و یا بررسی قرار بازداشت موقت مبادرت بورزند. قاضی تحقیقات ابتدایی در ایتالیا و یا قاضی آزادی ها و بازداشت در فرانسه نمونه هایی از این مراجع هستند.

قرار بازداشت موقت باید مستدل برای مدت معین و قابل اعتراض در دادگاه باشد. این ویژگیها در مقررات آئین دادرسی کیفری ایران نیز پیش بینی شده است و از جمله در مورد مدت بازداشت نظام بازداشت موقت با مدت زمان محدود و امکان تمدید پی در پی در حقوق کیفری ایران مورد استفاده قرار گرفته است.

حق بازداشت شده به بهره مندی از رفتاری انسانی مصادیقی گوناگون دارد جدا بودن متهمان از محکومان و نیز حق ارتباط بازداشت شده با جهان خارج، مهمترین مصادیق حق یاد شده هستند. حق ارتباط با جهان خارج مواردی هم چون: حق

ارتباط با وکیل مدافع ارتباط با پزشک ارتباط با سفارتخانه دولت مبتوع برای اتباع بیگانه و تماس با اعضای خانواده و دوستان را در بر می گیرد حال اگر بازداشت شده ای از این حق محروم شده و ممنوع الملاقات گردیده باشد، چنین اقدامی بر اساس رویه کمیته حقوق بشر مصداقی از شکنجه متهم و نیز نزدیکان خانوادگی وی به شمار می آید.

حق جبران خسارت بازداشت شدگان بر پایه احترام به حقوق و آزادی های فردی و رعایت اصل تساوی بین افراد است. این حق در اسناد بین المللی حقوق بشر و مقررات داخلی کشورهایی همانند آلمان و هلند مورد شناسایی قرار گرفته و گرچه در حقوق ایران تاکنون به آن کم توجهی گردیده است ولی در پیش نویس لایحه آئین دادرسی کیفری سه ماده به آن اختصاص داده شده است.



۱. آرت هیمن - دوا، آزادی های عمومی و حقوق بشر، ترجمه دکتر یوسف مولایی و رشید برناک، تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پائیز ۱۳۸۲.
۲. آلبرماله، تاریخ قرن هیجدهم و انقلاب کبیر فرانسه و امپراتور ناپلئون (۱۸۱۵-۱۷۱۰)، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۴.
۳. ابوالحسن، محمدی مبانی استنباط حقوق اسلامی تهران دانشگاه تهران، ج ۱۷، بهار ۱۳۸۳. ۲۹۵-۳۰۷.
۴. ابوالفضل قاضی حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران دانشگاه تهران، ج ۲، ج ۱، ۱۳۷۵ و ۶۴۶.
۵. ابوالفضل قاضی حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران دانشگاه تهران، ج ۶، ج ۱، ۱۳۷۵، صص ۶۴۷ و ۶۴۶.
۶. اردشیر امیر ارجمند مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر استاد منطقه ای، تهران دانشگاه شهید بهشتی قسمت اول اسناد منطقه ای ص ۱۴ و ۱۳۸۵.
۷. بحمن کشاورز متن محشای قانون و آئین نامه اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب معروف به قانون احیای دادرسی به انضمام متن منقح آئین دادرسی مدنی و آئین دادرسی کیفری، تهران، کشاورز، ۱۳۸۲.
۸. شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۹.
۹. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۱۰. غلامرضا حجتی اشرفی، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی با آخرین اصلاحات و الحاقات»، تهران، گنج دانش، ج ۶، ۱۳۶۶، ص ۴۰ و ۳۹.
۱۱. قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ روزنامه رسمی، شماره ۱۷۲۴۹، ۱۳۸۳/۲/۳.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص. ۳۹۲.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۸، چاپ دوم، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه.ق، ص. ۸۵.
۱۴. محمد ابراهیم باستانی پاریزی محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله (حسن)، پیرنیا) تهران ابن سینا، ۱۳۴۴.
۱۵. محمد آشوری آئین دادرسی کیفری، تهران سمت، ج ۷، پائیز ۱۳۸۵، صص ۲۴۱، ۲۴۰.
۱۶. محمد آشوری عدالت کیفری، تهران گنج دانش ۱۳۷۶، صص ۱۴۰-۱۳۸.
۱۷. محمد جعفر جعفری لنگرودی ترمینولوژی حقوق، تهران گنج دانش ج ۲، ص ۱۳۶۷، ش ۲۱۶.
۱۸. محمد جعفر جعفری لنگرودی ترمینولوژی حقوق، تهران گنج دانش ج ۲، ص ۱۳۶۷، ش ۲۱۶.
۱۹. محمد حسین شاملو احمدی دادرسی و تحقیقات مقدماتی اصفهان، دادیار، ۱۳۸۳.
۲۰. محمد علی عزتی، علی رضا سایبانی، محمد مهدی ساقیان، ۱۳۹۸، ظابطان در آینه الزامات حقوق بشری و تربیتی اسلام؛ (با تکیه بر رعایت حقوق متهمین تحت نظر)، فصلنامه پژوهش های دانش انتظامی، سال بیست و یکم، شماره اول، بهار ۱۳۹۸.
۲۱. مرکز مطالعات حقوق بشر، گزیده ای از مهمترین اسناد بین المللی حقوق بشر، تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار ۱۳۸۲، صص ۹ و ۸.
۲۲. منتسکیو، روح القوانين، ترجمه علی اکبر، مهتدی، تهران، امیرکبیر، ج ۶، تیرماه ۱۳۴۹.
۲۳. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۴، ص. ۲۷۶.
۲۴. هوشنگ ناصر زاده آئین دادرسی کیفری سلب آزادی تن بازداشت و حبس در حقوق ایران تهران، دیدار، ۱۳۷۳، ص ۷.
25. European Commission of Human Rights, East African Asian v. United Kingdom, No. 4403/70, 1973.
26. European Commission of Human Rights, X v. United Kingdom, No.5877/72, 1973.
27. European Court of Human Rights, Akdeniz v. Turkey, No. 25165/94, 2005.
28. European Court of Human Rights, Kurt v. Turkey, No. 24276/94, 1998.
29. European Court of Human Rights, Mentés and others v. Turkey, No. 23186/94, 1997.
30. European Court of Human Rights, Ocalan v. Turkey, No. 46221/99, 2005.
31. European Court of Human Rights, Pretty v. United Kingdom, No. 2346/02, 2002.
32. European Court of Human Rights, Tanis v. Turkey, No. 65899/01, 2005.
33. European Court of Human Rights, Tepe v. Turkey, No. 27244/95, 2003.

34. Human Rights Committee, Delgado Paez v. Colombia, CCPR/39/D/195/1985, 1990.
35. Human Rights Committee, General Comment No.29, CCPR/C/21/Rev.1/Add.11, 2001.
36. Macovei, Monica, The right to Liberty and Security of Person, A Guide to the Implementation of Article 5 of the European Convention on Human Rights, Human Rights Handbooks, No. 5, Council of Europe, 2004, p. 8.
37. Macovei, Monica, The right to Liberty and Security of Person, A Guide to the Implementation of Article 5 of the European Convention on Human Rights, Human Rights Handbooks, No. 5, Council of Europe, 2004, p. 8.
38. Nowak, Manfred, Op.cit., p. 214.